

کنونیت برسد



نمایش لطمه نمی‌زد؟

رحیمی: نه، آدمها و شخصیت‌های نمایش در یک تکرار قرار دارند و این را دوست دارم و به بازیگران تاکید می‌کردم انرژی‌شان را بالا ببرند. **سروری نژاد:** در برخی از نمایش‌ها می‌بینیم که همه یک جور بازی می‌کنند. مسئله‌ای که در زندگی عادی وجود ندارد.

قرار داد نانوخته‌ای شکل گرفته که باید بازی‌های یک اثر نمایشی و یا سینمایی همگن باشد؟

سروری نژاد: قرار داد درستی نیست و قرار نیست یک دزد مثل نویسنده رفتار کند و گویش داشته باشد.

مختاری: بعد از اینکه چند باری متن را خواندم پروین را به عنوان یک زن ۴۵ ساله باور کردم که در میانسالی شوهرش را از دست داده و زن بدجنسی نیست و ذات و رفتارش این طوری خودش را نشان می‌دهد که با بقیه کل کل کند. اما در باطن دلسوز اهالی محل است و البته شخصیت خاکستری دارد و به نظرم خیلی به جنس زنان میانسال طبقه متوسط دهه شصت نزدیک است و خیلی از این زنهارا دیده‌ام که اینگونه رفتار می‌کردند. این روزلب زدن هم بخشی از شخصیتش است که تضادی با محدودیت‌های آن دوران را نشان می‌داد.

قضیه خرید جوراب پاریزین از جوراب فروشی محل که گاه و بیگاه به سراغش می‌رود در متن بود و یا شما پیشنهادش دادید؟

مختاری: اتفاقاً توی متن بود و مسئله جذابی است. به هر حال لباس پوشیدن هم در آن دوران چالش‌های خاص خودش را داشت. روزی در تمرینات کارگردان فیلمی را درباره حرکات فرم نشان داد که از ما خواستند به فضا و حس و حالش دقت کنیم و این کار و اجرایش واقعا سخت بود و من پیشنهاد دادم از باکس‌های چوبی که داشتیم در اجرای این صحنه‌های فرم استفاده کنیم و آقای رحیمی موافقت کرد.

در جاهایی از نمایش ارجاعات روز دارید. آیا این نشان دهنده قائل بودن شما به کنشگری هنرمند در جامعه است؟

رحیمی: رفتن به سراغ روایت‌های اجتماعی در قالب رئالیسم به طور حتم هم‌زمانی به وجود می‌آورد. از آن گذشته تئاتر نیاز دارد که زمانش با زمان حال تماشاگر به قول «کانت» به اکتونیت برسد. چون روایت‌های چند پاره و روایت در گریم، روایت در تصویر، روایت در موسیقی و... دارم. خود این روایتها به صورت مونولوگ خیلی دستم را باز تر می‌گذارد تا هم‌زمانی را نشان بدهم. اگر دقت کرده باشید در طراحی لباس نمایش از لباس روز استفاده کردیم و نخواستیم برویم به سمت پوشش آن دوران با شلوار گشاد پاچه دوبر.

با این رویه کارتان می‌رفت به سمت کلیشه؟

رحیمی: بله، نخواستیم ورودی به کلیشه‌ها داشته باشیم.

در بحث موسیقی هم نرفتن به سراغ استفاده از آهنگ‌های کلیشه‌ای آن دوران با صدای ابی و شهرام و دیگران؟

رحیمی: موسیقی ما دقیقاً مربوط به دهه شصت است. حتی موسیقی‌هایی که افکتیو است همه متعلق به دهه شصت است. جالب است در عروسی‌های این روزگار از این آهنگ‌ها استفاده می‌شود.

با توجه به دکور ثابت نمایش (میدانی در دل محله) شما از بالکن طبقه بالای سالن چارسو در طراحی میزانشن‌های موازی که دو گروه بازیگر مشغول بازی هستند استفاده خلاقانه‌ای انجام دادید؟

رحیمی: به هر حال در این صحنه‌ها شلوغی و درهمی دیالوگ گفتن مثل حالت عادی درون یک محله وجود دارد که آدمها مشغول حرف زدن هستند و ممکن است متوجه حرف‌هایشان نشویم. اما تصویری از یک محله دارم. آلمانی شهری از دهه شصت که آدمها زمان زیادی را در محله سپری می‌کردند. در دهه شصت یکی منتظر بود به او سلام شود و باب حرف زدن را شروع می‌کرد و یک شلوغی دلچسب و پراز زندگی در محله دیده می‌شد. بچه‌ها گل کوچک بازی می‌کردند و زنان کنار هم سبزی پاک می‌کردند و احیاناً آقابیی هم ماشینش را کنار جوی می‌شست. یک جور در هم تنیدگی کارهای مختلف در یک قاب خلق می‌شد.

آیا مجید نمونه یک آدم فرصت طلب و باهوش و تا حدی آب زیر کاه است؟

سروری نژاد: این خصوصیات را که اشاره کردید در مجید وجود دارد و در مواقع مورد نیاز کوتاه می‌آید و یا جبهه می‌گیرد و بسیار منعطف با مادر زنش برخورد می‌کند و آدم‌های محل او را آدم بدی نمی‌دانند.

با توجه به فاصله شما با پروین به خوبی در بازی تان سن و سال دار بودن این زن را نشان دادید؟

مختاری: خوشحالم که بازی‌ام باور پذیر بود و توانستم این نقش را ملموس ارائه کنم. نکته مهم این است که آقای رحیمی برای ایفای این نقش به من اعتماد کرد و امیدوارم جواب اعتمادشان را داده باشم.

ببیند نمی‌تواند با کار و نقش ارتباط برقرار کند. ما در این کار باید سرد می‌بودیم و در عین حال در بازی‌مان انرژی هم دیده می‌شد و این واقعا دشوار بود. تا مدت‌ها در تمرینات گپیچ بودم و نمی‌دانستم چه باید بکنم. آنقدر در تمرینات با نقش و فضای کار کلنجار رفتیم که کار روی روال و درست شد. آقای رحیمی دست ما را برای تجربه کردن و آزمون و خطا باز گذاشت تا به خواسته‌اش برسد. شاید در مواقعی من از ذهنیاتش فاصله می‌گرفتم که بلافاصله در گوشم کلمه‌ای می‌گفت و من به ریل بازی می‌گشتم. دوست داشتم کارم خاص بشود. در یکی از تمرینات مشغول دور خوانی بودیم آقای رحیمی گفت کاری متفاوت از همیشه انجام بدهیم و من درباره گویش مجید پیشنهاد استفاده از تاکید روی کلمه «پ» را دادم و اتفاقاً خیلی هم جذاب و خوب شد.

اینها یک نوع بازی کلامی است؟

سروری نژاد: بله، خوشحالم این نوع پیشنهادات پذیرفته شد. رحیمی: در واقع خرده بازی هستند. چیزهایی که در یک گراند شخصیت نقش توسط بازیگر تغییر ایجاد می‌کند. یکی دو جا در حین اجرای کلمات توسط بهروز و تاکیدش روی برخی از کلمات مثل «پ» و غیره تماشاگر به عنوان یک بازی در بازی قبولش می‌کند.

حتی بازیگر نقش منیژه به سمت تیپ و بچه‌گویی پیش می‌رود؟

رحیمی: پیشنهاد خود فاطمه محمدیان بود. محمدیان بازیگر پر انرژی و البته آرامی است و سوای بازی در این نقش دستیار من هم هست.

این تنوع جنس بازی‌ها به وحدت رویه کلیت بازی‌های

گونه‌ای پیش رفت که خود بازیگران از من درخواست می‌کردند که زمان بیشتری برای تمرین اختصاص بدهم.

این شیوه کاری شما به خصوص برای کارگردان جوان این چالش را دارد که با استفاده از انبوهی از ایده‌های بازیگران نخ تسبیح و وحدت رویه نمایش‌اش دچار خلل شود؟

رحیمی: نمایش ما یک کار ضد داستان است و مسیر درام وحدت رویه مشخصی ندارد. اگر بخواهیم تک تک شخصیت‌ها و روند زیست‌شان را پیگیری کنیم، در نمایش ما پرسشی برای ادامه زیست آنها وجود ندارد. به طور مثال پروین بعد از این وقایع دوباره روال عادی زندگی‌اش را پی می‌گیرد.

در حقیقت شما برشی از زندگی اهالی محله‌ای را در مدت یک هفته در معرض دید مخاطب قرار می‌دهید؟

رحیمی: همینطور است و در روندی معکوس این یک هفته فلاش بک می‌خورد.

بازیگر با تجربه‌ای هستید چقدر استفاده از شیوه ایده اجرایی به بازی بهتر شما کمک کرد؟

سروری نژاد: پروسه تمرینات این نمایش خیلی جالب بود و بر خلاف رویه خیلی از کارگردان‌ها که از بازیگر می‌خواهند نقش را زندگی کند. آقای رحیمی گفت که اصلاً چنین خواسته‌ای ندارد و باید بر عکسش عمل کنیم و این کار برای من خیلی سخت بود و خیلی به این قضیه فکر کردم. در عین حالی که کارگردان سردی در نگاه و کلام بازیگر و ارتباطات را می‌خواست باید حواس مان به تماشاگر نیز باشد. اگر تماشاگر اجرا و بازی گرمی نبیند و بازیگر را بی انرژی